

قسمت بیست و چهارم



آیت الله مشکینی

کیفیت آموزش باطنی

بارهای سنگین تکلیف بر دوش گیرند، امور مختلف جهان تدبیر نمایند، اوراق جانداران تقسیم کنند، علوم و دانش بدلای بشر الهام دارند، غذاهای ابدان را توزیع نمایند، میان نیکان و بدان در شمول الطاف حق امتیاز نهند، بر دلپای صادقان امید و رحمت دهند، بر قلوب طاغیان هراس و بیم گذارند، از ستم پشندگان بشر بسختی جان ستانند، روان دوستان حق را بنشاط گیرند و در فضای جهان دیگر بسوی قرب الهی به همراه ببرند.

در مقالات گذشته که صحبت از آموزگاران بشر بود، بعاین مطلب اشاره شد که یکی از معلمان دلسوز وی، فرشتگانند. این گروه را قسم دوم از مربیان او خواندیم. و اینک سخنی چند در باره این طائفه. نخست باید فهمید که اینان کیانند و سببی بود که چگونه با انسان تماس دارند و بتعلیم وی اشتغال می‌ورزند.

مأموران الهی و پیکهای باقداست ربوبی

کیفیت تدریس باطنی

و اما چگونه تعلیم و تربیت آنها بر طبق استفاده از آیات و احادیث زیاد که در این باره وارد است خداوند توانا بر دلپای بندگان خویش بوسیله آنان الهام می‌فرماید و آنان را موظف داشته که قلب انسان را پیوسته زیر نظر دارند و حرکات و توجهات و عزمها و اراده‌های دل را مراقب شوند گاهی که صلاح است از طرف گوش قلب انجام کار خیری را بر وی القا کنند و در حال غفلت او را بغفلت خویش متنبه‌سازند و هنگامی که خود توجه بامری بسدا کرده و می‌خواهد تصمیم جدی بگیرد اگر آن عمل نیکو و پسندیده است تصمیمش را تقویت نمایند و با تذکر مصالح و بی‌آمدهای خیر آن اراده‌اش را تحکیم بخشند و وعده امداد و یاری حق را بر اقدام آن بدهند و چنانچه آن عمل زشت و گناه و ظلم بر نفس و

اما آنان موجوداتی دارای عقل و قداست، پاکیزه از هرگناه و پلیدی، گواهان توحید ذات و صفات، معتقدان نبوت و معاد، طائفان علی‌الدوام عرش‌الله، بلند پروازان فضای عالم قدس، پرستندگان با اخلاص معبود حقیقی، تسبیح‌گویان ذات اقدس حق، پیام‌آوران پیامبران الهی، روابط فیض میان خالق و خلق، ساجدان خاشع مقام ربوبی، خدمت‌گزاران تکوینی انسانها، اداره‌کنندگان عالم وجود، وسائط تکوینی جهان هستی، بالا بردگان اعمال بشری، الهام‌دهندگان دلپای مومنان، امداد یان غیبی روزندگان، مأموران سرسخت دشمنان حق، نفرین‌کنندگان کافران و منافقان، جان‌ستانان با شدت سنگران.

آری طبق بیان قرآن کریم فرشتگان کسانی هستند که بعامر حق صف آرائی کنند، از ستم و ستمکاران جلوگیری کنند، آنها هستند که پیوسته ذکر حق خوانند، در انجام فرامین او چون بادبشاوند

دیگران باشد بکوشند تا او را از تصمیمش منصرف سازند معاصد عمل و عاقبت وخیم آن را از نظر خلق و جامعه در این جهان و عذاب خداوند درجهان دیگر در ذهن وی مجسم سازند و تا حد میسر از حرکت و اقدام مانع گردند و البته معلوم باشد که ایس العاقبات فرشتگان از ماقبل البلوغ و در اوائل آن شروع می شود و در آن ایام که نوعا جوان نوری دلی پاکیزه و قلبی صاف و روحی آلوده نشده بگناه دارد این بیکهای الهی مشغول انجام وظیفه و تعلیم و تربیت می شوند و همانند معلمی دلسوز و آموزگاری نستوه شبانه روز دور خانه دل می چرخند و آن خانه پاک و مقدس را که باید مهبط ورود الهامات حق و فرودگاه دانشی الطاف الهی باشد پیوسته در حفظ و حراست میگیرند و کوششی بی دریغ در اینکس اغباری در خانه بار راه نباید مبذول می دارند حال اگر صاحب

فرمود:

" للقلب اذن ینفث فیہ الملک فیوید الله الموت من "

" بالملک و ذلک قوله و ایدهم بروح منه "

قلب انسان و روان وی را گویی است درونی که پیوسته بیک الهی هدایتیهای مختلف را در ابعاد گوناگون زندگی مادی و معنوی در آن می دمد و این چنین خداوند رحمان گرونده توحید را با

هرگاه خداوند در کلام آسمانی خویش از ذات یکتای خود به عنوان جمع تعبیر می کند که ما چنین گفتیم و چنین کردیم، مقصود از این تعبیر، خود حق و فرشتگان است که مقربان درگاه اویند. و در برخی از دعاهای وارده، امامان ما آنها را وسیله سوگند در حوائج خویش قرار داده اند و قرآن مجید آنها را جزء شفاعت کنندگان بشر معرفی می کند و بالجمله اینان انوار بی نهایت علوی هستند که یکی از نهادها و شعبه هایشان، طواف کنندگان حرم دلها و الهام بخشندگان قلوب انسانها می باشند.

کماردن این فرشتگان در پیمودن راه سعادت یاری می دهد و قرآن مجید بدین معنی اشاره می کند.

محافظین غیبی، انسان را تا دم مرگ

هدایت و حراست می کنند.

در کتاب آسمانی ما چنین آمده است:

" و هو القاهر فوق عباده و یرسل علیکم حفظة حتی "

" اذا جاء احدکم الموت توفته رسلنا " (انعام ۶۱)

او خدای مقتدر و مسلط و قاهر بر همه موجودات و قسدرت

قاهر او بر سر همه بندگان است او بسوی شما و بمنظور هدایت و

تعلیم و حفظ دلهای شما از انحراف و تن های شما از آسیب،

نگهبانانی گسیل می دارد آنان پیوسته مشغول انجام وظیفه اند تا

آنگاه که ماموران قبض ارواح بسراغ شما بیایند.

واژه (حفظة) جمع حافظ بمعنی نگهبان است و آنها گروه -

های مختلف اند که گروهی مخصوص حفظ افکار بشر از انحرافات

اعتقادی هستند و چون خداوند بشر را در همه کارهای خویش حتی

دل صاحب دلی آگاه و انسانی گوش فرمان و قلبی دارای صفای و جاذبه و انقیاد گردید و این معلمان ناصح را پذیرا شد آنان کوشش خود را ادامه می دهند و بر حسب تکامل آن دل، ایشان نیز تعالیم الهی خویش را در بعد کمی و کیفی افزایش می دهند تا آنجا که انسانی عظیم الشان و در خور خلافت و جانشینی الله تحویل جامعه بشری داده شود.

و اگر انسانی ضعیف و آسیب پذیر و دستخوش هوی و اسیر

هوس گردید و سوسه شیطاین داخلی و خارجی در وی اثر گذاشت و

او را بهر سو کنانید و بالاخره مسیر او را از هدف خلقت و راه

مستقیم تکامل و انسانیت منحرف ساخت و در لجن زار معاصی

افتاد بتدریج الهامات فرشتگان بی اثر و از آن دل بریده می شود و

آنچنان دور از معنویت می گردد که ممکن است مرتکب دهها گناه

بزرگ گردد و در روحش حرکت و درک و تاثیر و انفعال و احساس

شرمندگی پیدا نکند چه آنکه معلمان دلسوز خود را از محیط خانه

بیرون رانده و خانه قلب را با عیار سپرده است از امام صادق (ع) در

تفسیر آیه شریفه (و ایدهم بروح منه) آمده است که آنحضرت

تکست و در خانه عراق رفته، شکاری
شکرهای تبار را گوئیم، بعد از آن
مشموم و "مشموم بن عقیل" بودند
در قهوه و سوغات بودند.

در انتخاب مکتب و دین نیز آزادی تکوینی داده محافظت فرشتگان
تنها از راه نصیحت و رهنمود و القا، مفاسد راههای باطل و اراشه
معالج راههای حق است و درست همانند معلمی می باشد که حق
زس و اجبار کودک را نداشته باشد ولی موظف گردد از راه تعلیم
و هدایت او را بسوی کمال برد.

در معنی آیه شریفه " فالزاجرات زجرا " (صافات ۳)
چنین گفتند : خداوند سوگند یاد می کند بمقام فرشتگانی که
موظف بحال انسانند و پیوسته بر دلهای آنان سخنانی را که از
زشتی باز دارد و از هوی و هوس منصرف کند می خوانند و بدین
وسيله او را از سقوط و انحطاط مصون می دارند .

در خاتمه بعنوان تذکر عرض می شود غرض از توصیف فرشتگان
قبل از آنکه از خدمات نهانی آنان سخن گوئیم آن بود که ساله
فرشتگان در میان جوامع ما بدان اندازه که باید مورد توجه قرار
گیرد نبوده است در حالی که قرآن مجید از آنها بسیار نام می برد و
تجلیل می کند بطوری که اعتقاد بدانها را جز عقائد لازم مورد شمار
عقیده بتوحید و رسالت و معاد در می آورد و انکار برخی از آنها را
کفر می داند ، و چون بدقت بتکریم مطلب را چنین می بایم : چه
آنکه آنها متصدیان تام الاختیار در مدیریت عالم وجودند و هیچ
حرکت و سکونی در شئون جهان هستی انجام نمی گیرد جز آنکه

تحت اراده آنها که نشأت یافته از اراده الله و واسطه در مسیت
الله است و به تدبیر اتم آنها انجام میباید آری هر گاه خداوند
در کلام آسمانی خویش از ذات یکتای خود بعنوان جمع تعبیر
می کند که ما چنین گفتیم و چنین کردیم مقصود از این تعبیر خود
حق و فرشتگان است که مقربان درگاه اویند و در برخی از دعاهای
وارده امامان ما آنها را وسیله سوگند در حوائج خویش قرار داده -
اند و در قرآن مجید آنها را جز شفاعت کنندگان بشر معرفی
می کند و بالجملة اینان انوار بی نهایت علوی هستند که یکی از
نیادهای و تبعه هایشان طواف کنندگان حرم دلها و الهام بخشندگان
قلوب انسانها می باشد امید آنکه از این آموزگاران صمیمی و بسا
اخلاص تعالیم عالی الهی را فرا بگیریم و آنگاه که خبری در قلب
ماها الهام نمودند شتابان بسوی حرکت کنیم و عمل نمائیم تا
شکرانه نعم حق و زحمات آنان فراهم آید .

و بسی جای تأسف است از جامعه بشری امروز که چگونه چشم
دل از حقایق پشت پرده فرو بسته و از خدای بزرگ و مقربان درگاه
و مطیعان حیظه قدرتش غفلت کرده اند .

خداوندا از کرمست آن خواهیم که چشم قلبمان
بسوی حقایقی که باید دریابد بنگرد و روحمان بسا
معارفی که باید درک کند آشنا شود و مغز و فکرمان عقائدی را که
باید بفهمد باور نماید و اندامان حرکات و رفتاری را که سزاوار
شدن است تحقق بخشد و همت و عزمان وظائفی را که شایسته
عمل است بنماید کند آن باشیم که تو می خواهی آن کنیم که تو
می گوئی آن گوئیم که تو دستور دادی و آن شویم که تومی بسندی .
والسلام

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پيامبر اکرم «ص»: «

«مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّ
الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أجنحتها ليطالب العلم رضاً به... وَفَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى
الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ النُّجُومِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ...»

(کافی ج ۱ ص ۴۲)

کسی که راهی رابه سوی فراگیری دانش بپیماید ، خدا او را به
راهی سوی بهشت برسد . و همانا فرشتگان با خرسندی بالهای
خود را برای دانش پژوهان بگسترانند... و برتری عالم
بر عابد مانند برتری ماه شب چهارده است بر دیگر ستارگان .